

## **The Audience(s) in Iran Securitization Base of U.S. Congress Legislations**

**Tahmine Bakhtiari\***

**Ebrahim Barzegar\*\*, Behnam Goudarzi\*\*\***

### **Abstract**

Following the victory of the Islamic Revolution and the loss of one of its greatest allies in the Middle East, the United States has resorted to a variety of tools and methods to contain the Islamic Republic. Efforts to secure the identity of the Islamic Republic of Iran in order to counter the influence of the revolution and ensure the security of Israel has been one of the most important approaches of the United States. This study seeks to answer the question of who the target audience of US security is and to what extent they have accepted the threat of Iran. The United States, through the security process of persuading American public opinion against Iran, building consensus in the international community, targeted an audience that could achieve the process of taking emergency measures beyond normalcy or taking action against Iran. The purpose of securitizing Iran was to show the country a threat to international peace and stability and the need for emergency action against it. The process also takes place through persuasion and consensus of the audience. This article uses the research method of content analysis and the theoretical framework of the Copenhagen School to analyze the types of audiences in the process of securing Iran by the United States after the Islamic Revolution.

**Keywords:** Audience, Iran, Securitization, Threat, U.S.

\* Ph.D. student in political science in Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author),  
bakhtiari.t@gmail.com

\*\* Full Profesor in political science in Allameh Tabataba'i University, barzegar@atu.ac.ir

\*\*\* Political Science Researcher in Institute for Humanities and Cultural Studies, b.goudarzi@ihcs.ac.ir

Date received: 2021/03/03, Date of acceptance:2021/09/13



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## مخاطبان در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران

تهمینه بختیاری رنایی\*

ابراهیم برزگر\*\*، بهنام گودرزی\*\*\*

### چکیده

ایالات متحده آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از دست دادن یکی از بزرگ‌ترین متحدان خود در منطقه خاورمیانه به ابزارها و روش‌های گوناگونی برای مهار نظام جمهوری اسلامی متوسل شده است. تلاش برای امنیتی کردن هویت جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با نفوذ انقلاب و تأمین امنیت اسرائیل از مهم‌ترین رویکردهای آمریکا بوده است. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که مخاطبان امنیتی کردن ایالات متحده چه کسانی هستند و تهدیدبودن ایران تا چه حد موردپذیرش آن‌ها بوده است؟ ایالات متحده در فرایند امنیتی کردن ایران مخاطبانی را هدف قرار داد. هدف امنیتی کردن ایران، تهدید نشان دادن این کشور برای صلح و ثبات بین‌المللی و ضرورت اقدام اضطراری علیه آن بوده است. فرایند آن نیز از طریق اقتناع و اجماع مخاطبان صورت می‌گیرد. شناخت انواع چهارگانه مخاطبان جمهوری اسلامی ایران، مخاطب سطحی، مخاطب تخصصی، مخاطبان تکنوکرات، و مخاطبان علمی در امنیتی کردن هویت جمهوری اسلامی از نوآوری‌های این مقاله بوده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش پژوهش تحلیل مضمون و چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ به واکاوی انواع مخاطبان در فرایند امنیتی کردن ایران توسط ایالات متحده بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** مخاطبان، پذیرش، امنیتی کردن، ایران، کپنهاگ.

\* دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران (نویسنده مسئول)، bakhtiari.t@gmail.com

\*\* استاد تمام علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، barzegar@atu.ac.ir

\*\*\* پژوهشگر علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، b.goudarzi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲



## ۱. مقدمه

سیر روابط ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تغییر الگوهای دوستی و دشمنی بین دو کشور و تغییر ذهنیت‌های دو بازیگر از یکدیگر همواره بر مبنای خصومت و غیریت‌سازی بوده است. آمریکا در این بازه زمانی با مفاهیمی نظیر تهدید ایران علیه امنیت بین‌المللی در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی، حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی، و نفوذ منطقه‌ای ایران و هم‌چنین با مداخله در امور ایران به بهانه نقض حقوق بشر به امنیتی‌کردن ایران پراخته است. آمریکا به‌عنوان مرجع امنیتی‌ساز با دو هدف تغییر رژیم در میان محافظه‌کاران و جمهوری‌خواهان، تغییر رفتار ایران در میان دموکرات‌ها و لیبرال‌ها، و هدف مشترک تأمین امنیت اسرائیل به دنبال تهدیدنمایی ایران است. با توجه به اینکه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ایران از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار است، تداوم یا تقویت قدرت ایران، منافع آمریکا در منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است.

سه استدلال اصلی آمریکا برای تهدیدنمایی ایران در فرایند امنیتی‌کردن، ارتباط تنگاتنگی با منافع آمریکا دارد. آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را، که مسئله‌ای فنی و غیرسیاسی است، ابتدا به حوزه سیاسی آورده و بعد از آن با استدلال تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای با هدف کشتار جمعی با کمک ابزار رسانه و نهادهای بین‌المللی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در مواردی شورای امنیت سازمان ملل آن را به تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل جلوه داد. هدف اصلی آمریکا برای امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی ایران تأمین امنیت اسرائیل، متحد راهبردی آمریکا در منطقه، است. آمریکا همچنین حمایت ایران از گروه‌های مقاومت نظیر حزب‌الله در لبنان، حماس، و دیگر گروه‌های جهادی در فلسطین و نیروهای حشدالشعبی در عراق را به‌عنوان حمایت ایران از تروریسم بین‌الملل جلوه می‌دهد. با توجه به اینکه هدف اصلی گروه‌های جهادی در منطقه، مقابله با اشغال‌گری و سلطه بیگانگان است، حمایت ایران از این گروه‌ها در جهت منافع اسرائیل و در نهایت منافع آمریکا در منطقه نیست و به همین دلیل با ابزارهای گوناگون تلاش می‌کند این اقدام را تهدیدی برای صلح و ثبات بین‌المللی جلوه دهد. در ادله سوم، یعنی نقض حقوق بشر در ایران، ایالات متحده بر شش عنصر حقوق اقلیت‌های یهودی، اقلیت‌های بهایی، پوشش زنان، آزادی بیان، آزادی برگزاری تجمعات، و زندانیان سیاسی تأکید می‌کند؛ عناصری که از طریق آن‌ها ارزش‌های آمریکایی و سبک زندگی غربی را ترویج کرده و راه نفوذ آمریکا و غرب در ایران را باز نگاه می‌دارد.

## ۲. بیان مسئله

فرایند امنیتی کردن زمانی موفق می‌شود که مخاطب تهدید برساخته‌شده را بپذیرد و منتظر اقدامی ضروری برای رفع آن تهدید باشد. استدلال‌های آمریکا برای تهدیدنمایی ایران مخاطبان خاص خود را دارد و آمریکا برای اقناع هریک از مخاطبان با هدف اجماع علیه ایران، روش‌ها و ابزارهای مختلفی از جمله رسانه یا نهادهای بین‌المللی را به کار می‌گیرد. در مرحله امنیتی‌زدایی نیز، که بازیگر امنیتی شده می‌کوشد از حالت امنیتی خارج شود، باز هم پذیرش مخاطب لازم است و بایستی مخاطبان به نتیجه برسند که تهدیدبودن آن پدیده امری واقعی نیست. به همین دلیل ضروری به نظر می‌رسد که یک بازیگر هدف امنیتی شدن مخاطبان مرجع امنیتی‌ساز را بشناسد تا در مسیر امنیتی‌زدایی آن‌ها را اقناع کند. شناخت انواع مخاطبان و شبکه مضامین برای اقناع آن‌ها در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران مسئله‌واره این پژوهش است. به عبارت دیگر، سؤال مقاله این است که مخاطبان ایالات متحده در تلاش برای امنیتی کردن ایران چه کسانی هستند و در فرایند امنیتی کردن چه اهمیتی دارند؟

## ۳. پیشینه تحقیق

در زمینه امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است. در مقاله علی امیدفر و سعیده مرادی‌فر با عنوان «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران» نگارنده به این پرسش پاسخ داده است که چرا رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از واژگان و عبارات حاوی بار منفی برای بزرگنمایی برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند و فرضیه هم این است که رسانه‌ها و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نقش مهمی در امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران داشته‌اند (امیدفر و مرادی‌فر ۱۳۹۳: ۱-۲۹). امام‌جمعه‌زاده و بابایی نویسندگان مقاله «نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران» به بررسی روند تغذیه فکری سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از تحریم‌ها گرفته تا مذاکره از اتاق‌های فکر آمریکا و جهت‌دهی این مراکز به دولتمردان آمریکا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی این کشور می‌پردازند (امام‌جمعه‌زاده و بابایی ۱۳۹۴: ۱-۲۰). دهقانی فیروزآبادی و قریشی نویسندگان کتاب *امنیتی‌شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران* به واکاوی نظری مقوله امنیتی‌شدن و ابعاد تئوریک آن و به طور مختصر به امنیتی‌شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کنش‌های کشورهای ۱+۵ و قطعنامه‌های

شورای امنیت و واکاوی واکنش‌های دستگاه سیاست خارجی به این روندها پرداخته‌اند (دهقانی فیروزآبادی و قریشی ۱۳۹۳: ۱۱-۲۸). این کتاب بیش‌تر از منظر تئوریک به امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در پیشینه تحقیقات مربوط به امنیتی‌کردن و امنیتی‌شدن، توجه اندکی به مخاطبان این فرایند شده است. در فارسی تحقیقاتی که به طور مشخص در این زمینه پردازد یافت نشد. ماریو گینشیا در مقاله‌ای با عنوان «مخاطب در نظریه امنیتی‌کردن» فقط به انواع مخاطبان و اهمیت پذیرش تهدید توسط مخاطب در فرایند امنیتی‌کردن بدون اشاره به مصداق مشخصی اشاره کرده است (Ghincea 2017). پرداختن به مخاطبان کنش گفتاری ایالات متحده برای امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی ایران و میزان پذیرش تهدیدبودن ایران در میان انواع مخاطبان از نوآوری‌های این پژوهش است.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش‌های کیفی در علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی از روایی و اعتبار زیادی برخوردار است. برای کسب نتایج دارای مفهوم در پژوهش‌های کیفی لازم است داده‌های موردنظر به صورت روش‌مند تحلیل شوند. یکی از فنون تحلیل مناسب در پژوهش‌های کیفی، تحلیل مضمون (thematic analysis) است. به باور بویاتریس (۱۹۹۸)، تحلیل مضمون می‌تواند پل ارتباطی مناسبی میان پژوهشگران رشته‌های مختلف ایجاد کند. این روش به پژوهشگران کمک می‌کند تا راحت‌تر بتوانند مشاهده‌ها، یافته‌ها، و تفاسیر خود را به سایرین منتقل کنند (شیخ‌زاده ۱۳۹۰: ۱۵). در این مقاله برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در یک فرایند رفت و برگشتی مداوم بین مجموعه داده‌ها خلاصه‌های کدگذاری‌شده و قالب مضامین تولیدشده در فرایند امنیتی برای مخاطبان مورد هدف ایالات متحده استخراج شد. قالب مضامین معمولاً در تحقیقاتی با تعداد متون و داده‌های زیاد به کار می‌رود و ویژگی اصلی این روش، سازماندهی سلسله مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آن‌هاست (King 1998: 267). پس از آن شبکه مضامین شکل می‌گیرد. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، روش نمایش داده است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایا را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده به دست می‌آید و در گام آخر، عالی‌ترین و فراگیرترین مضمون به دست می‌آید.

تحلیل مضمون به چهار روش مرسوم قابل‌اجراست:

روش اول، قالب مضامین است که معمولاً در تحقیقاتی با تعداد متون و داده‌های زیاد به کار می‌رود و ویژگی اصلی این روش، سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آن‌هاست (ibid.).

در روش دوم، ماتریس مضامین را می‌توان به کار گرفت. این ماتریس برای مقایسه مضامین با یکدیگر و مضامین در منابع داده‌ها به کار می‌رود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین به مضمون‌ها، منبع داده‌ها، یا سایر موارد اختصاص پیدا می‌کند (Miles and Huberman 1994).

تحلیل مقایسه‌ای را می‌توان روش سوم دانست که می‌توان از آن برای قیاس مضامین در میان پاسخ‌دهندگان متفاوت و همچنین برای منابع داده‌ها استفاده کرد.

روش چهارم، شبکه مضامین است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقش‌هایی شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایا را از متن بیرون می‌کشد که به آن مضمون پایه گفته می‌شود. پس از آن با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست می‌یابد (مضامین سازمان‌دهنده) و در قدم سوم، این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شود و مضامین برجسته هر یک از سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (Attride-Stirling 2001). در این پژوهش برای تحلیل متن به دست آمده از اسناد کنگره از روش شبکه مضامین استفاده شده است.

## ۵. مبانی نظری (مخاطب امنیتی کردن) (audience)

پس از پایان جنگ سرد، رویکردهای جدیدی با عنوان امنیتی‌شدن وارد مطالعات امنیتی شد که تعریف موسعی از مفهوم امنیتی داشتند و آن را از حوزه نظامی به دیگر حوزه‌ها تسری دادند. از جمله این رهیافت‌ها مکتب کپنهاگ است که در آن نظریه‌پردازانی نظیر باری بوزان، اولی ویور، تیری بالزاک، و جاپ دوویدل امنیت را در مفهوم جدید کاوش کردند. آن‌ها در نوشته‌های خود تلاش کردند مفهوم امنیت پس از جنگ سرد را از مقوله سنتی و تک‌بعدی امنیت از مفهوم صرفاً نظامی به سایر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی گسترش دهند (دهقانی و علوی ۱۳۹۵: ۴۱).

مکتب کپنهاگ نه روی عناصر مادی و عینی تأکید دارد و نه بر عناصر ذهنی، بلکه این مکتب امنیت را مقوله‌ای بیناذهنی تلقی می‌کند که در اجتماع و در ذهن مخاطبان شکل می‌گیرد. اولی ویور معتقد است که امنیتی کردن اقدامی است که موضوع خاصی را به صورت نوع

ویژه‌ای از سیاست یا به شکل چیزی فراتر از سیاست درمی‌آورد (بوزان ۱۳۷۸: ۱۴۰). به اعتقاد بوزان «توفیق در امنیتی کردن موضوعات را کسی که موضوعی را امنیتی می‌کند، معین نمی‌سازد، بلکه به مخاطبان کنش‌گفتاری امنیتی بستگی دارد». آیا این مخاطبان، آن موضوع را به عنوان تهدیدی وجودی برای ارزشی مشترک می‌پذیرند؟ بر این اساس، امنیت هم نهایتاً نه بر عین استوار است و نه بر ذهن، بلکه امری بینذهنی است (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۶۱). از این رو، مخاطبان در فرایند امنیتی‌سازی نقش محوری دارند و آن‌ها باید متقاعد شوند تا حرکت امنیتی‌ساز موفق گردد. هرچند، غالباً مخاطب را همان شهروندان یا توده مردم فرض می‌کنند، اما ویور معتقد است که مخاطب می‌تواند براساس نظام سیاسی و ماهیت مسئله امنیتی شده متفاوت باشد (Waever 2003: 11-12).

در چرخه امنیتی‌شدن، منظومه پنجانگانه دخالت دارد: هدف مرجع، بازیگران امنیتی‌کننده، بازیگران کارکردی نظیر رسانه، مخاطبان هدف، شرایط تسهیل‌کننده. به عبارت دیگر، از نظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌ساختن هر پدیده شامل سه جزء است: بازیگر امنیت‌ساز، پدیده امنیتی، مخاطب (عبدالله‌خانی ۱۳۸۵: ۴۹۱-۴۹۸). اعتقاد به تجلی تهدید و پذیرش عمومی دو رکن اصلی منطق امنیتی‌کردن را شکل می‌دهد، به گونه‌ای که هیچ یک از این دو به صورت مجزا، تأثیرات مورد انتظار از امنیتی‌کردن را محقق نمی‌سازد. ویور بر این باور است که با جلوه‌دادن هر موضوع به عنوان تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه امنیتی‌شدن رسیده است، اما وقتی امنیتی می‌شود که مخاطبان آن را بپذیرند. اگر پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد، تنها می‌توان گفت حرکتی برای امنیتی‌کردن موضوع انجام شده، ولی موضوع امنیتی نشده است (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۵۱).

در مکتب پاریس، که از جمله مکاتب امنیتی‌شدن است، پل رو (Paol Roa) در فرایند امنیتی‌شدن برای مخاطب نقش مهمی قائل است. از نظر وی، بازیگر امنیتی‌کننده نیازمند دو گونه حمایت است: حمایت‌های رسمی و حمایت‌های اخلاقی. منظور از حمایت‌های رسمی، پشتیبانی نهادهای رسمی برای همراهی با بازیگر امنیتی‌کننده و منظور از حمایت‌های اخلاقی، پذیرش عمومی و اجتماعی است. وی ضمن مهم‌دانستن هماهنگی و سازگاری این دو نوع حمایت به گونه‌ای که به هم‌افزایی یکدیگر منجر شوند، خاطر نشان می‌کند، حمایت‌های رسمی و اخلاقی به هیچ وجه به یکدیگر قابل‌تقلیل نیستند و بازیگر امنیتی‌ساز به هر دوی آن‌ها نیاز دارد (دهقانی فیروزآبادی و دیگران ۱۳۹۱: ۲۵).

امنیتی‌ساختن یک پدیده یا بازیگر فرایندی سه‌مرحله‌ای دارد: نخستین مرحله، تصویرسازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی برای هدف مرجع است، هرچند بازیگر



امنیتی‌کننده در این مرحله بازیگر مسلط است، اما بازیگران کارکردی نظیر رسانه و شرایط تسهیل‌کننده نقش مهمی را در تهدید نشان‌دادن هدف مرجع ایفا می‌کنند. البته تا این مرحله، امنیتی‌شدن انجام نمی‌گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را تهدید تلقی کنند و تا وقتی چنین پذیرشی نباشد فقط می‌توان از تلاش برای امنیتی‌ساختن صحبت کرد (حاجی مینه ۱۳۹۲: ۱۷). مرحله دوم امنیتی‌شدن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی‌کننده مخاطب را متقاعد کنند که مرجع امنیت به طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی‌شدن نیز زمانی است که اقداماتی از جمله تحریم یا جنگ برای غلبه بر تهدیدات مشخص شود. فرایند امنیتی کردن لزوماً با بیان کلامی آن از جانب یک بازیگر و پذیرش آن توسط مخاطبان محقق می‌شود (Daheshyar et al. 2014: 83).

در ابتدا منظور نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ از امنیتی‌سازی تأکید بر کنش گفتاری بود، ولی در نهایت با تمایزگذاری میان حرکت امنیتی‌کننده (securitizing move) و امنیتی‌سازی موفق به تکمیل نظریه خود شدند (زارع‌زاده ابرقویی ۱۳۹۶: ۱۰۵). منظور از حرکت امنیتی‌کننده، تلاش بازیگر امنیتی‌ساز برای برساختن مسئله با بازیگری به عنوان تهدید وجودی برای گروهی خاص از طریق کنش گفتاری امنیتی است. هنگامی که این حرکت امنیتی‌کننده مورد پذیرش و قبول مخاطبان واقع شود، امنیتی‌سازی رخ داده است (مک دونالد ۱۳۹۲: ۱۳۴-۱۳۵).

در فرایند امنیتی‌ساختن، سه مرحله ادراک، اعلام، و پذیرش از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. ادراک به معنای مشخص‌ساختن تهدیدی وجودی که اقدام اضطراری یا تدابیر ویژه را ایجاب می‌کند، اعلام به معنای در معرض تهدید بودن موجودیت چیزی توسط بازیگران امنیتی‌کننده، و پذیرش، قبول ادعای تهدیدآمیز بودن یک پدیده از سوی مخاطب است (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۵۴-۶۷). در این چهارچوب، موردپذیرش قرارگرفتن تهدید بودن یک بازیگر، صرفاً محصول بحث آزاد یا توافق دموکراتیک نیست، بلکه می‌تواند ترکیبی از رضایت و اجبار باشد (عباسی ۱۳۹۱: ۷۳). با وجود این، در مدیریت ادراک تهدید بر اقناع مخاطب و روش‌های مرتبط با آن بیش از بقیه موارد تکیه می‌شود. پذیرش تهدیدات امنیتی از سوی مخاطب خود به سه عامل مهم یعنی موفقیت در کنش گفتاری، ماهیت، ظرفیت و منافع مخاطبان، میزان سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌ساز، و شکل‌گیری جبهه مقابل آن بستگی دارد. در این میان، عامل دوم، به میزان آسیب‌ها و صدماتی که تهدیدات بر مخاطبان به جای می‌گذارد و به شکل دقیق‌تر میزان انطباق میان آسیب‌ها و صدمات ناشی از تهدیدات علیه بازیگر امنیتی‌ساز و مخاطب وابسته است. علاوه بر این عامل سوم، در واقع از سوی مخاطبانی پدید می‌آید که امنیتی‌کردن

تهدیدات با منافع و هویت آنان تناقض یا تضاد دارد. در این چهارچوب، شکل‌گیری جبهه مخالف به میزان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اپوزیسیون بستگی دارد. همچنانکه ادراک نادرست آن‌ها از ماهیت تهدید می‌تواند به این مخالفت بینجامد (عبدالله‌خانی ۱۳۸۶: ۱۱۲).

از نظر ویور، برای اقناع مخاطبان به منظور پذیرش هر موضوع به‌مثابه تهدید وجودی، لازم است ادله‌ای ارائه شود، چراکه قدرت استدلال، علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی و فوق‌العاده برای دفع آن را حتمی می‌کند. البته ویور، خاطر نشان می‌سازد که پذیرش مخاطب در نتیجه اقدامات متمدانه نیست و هر پذیرشی بر ترکیبی از اجبار و رضایت استوار است (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۵۱). یکی از مهم‌ترین ابزارهای تسهیل‌کننده در موفقیت تبدیل حرکت امنیتی‌کننده به پدیده امنیتی‌شده رسانه است. رسانه‌ها، مهم‌ترین ابزار انتقال این کنش گفتاری برساخته هستند. در کنش گفتاری بازیگر امنیتی‌ساز به دنبال تأثیرات متعاقب آن یا نتایجی است که با برانگیختن احساسات، اعتقادات، تأملات، یا اقدامات مخاطب هدف همراه باشد (دهقانی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۲). بر این اساس، کنش‌گر یا به تعبیر ویور، بازیگر امنیتی‌کننده و مخاطب کنش گفتاری امنیتی در فرایند امنیتی‌شدن درگیر می‌شوند و موفقیت یا شکست کنش گفتاری به ویژگی‌ها و شرایط آن بستگی دارد. ویور با الهام از «شرایط کارایی» آستین برای موفقیت در کنش‌های گفتاری از شرایطی نام می‌برد که کنش گفتاری را نتیجه‌بخش می‌کند و «شرایط تسهیل‌کننده» نامیده می‌شود و ناظر بر دو بعد درونی و بیرونی است. شرایط درونی مربوط به جنبه زبانی است و شرایط بیرونی با جنبه اجتماعی تناظر دارد (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۶۲).

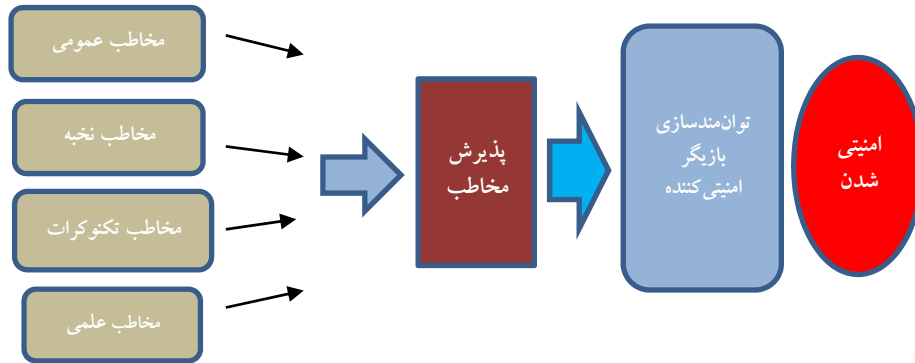
به باور ویور، مهم‌ترین شرط درونی هر کنش گفتاری، پیروی از قالب امنیتی یا دستور زبان امنیت است. پیروی از دستور زبان امنیت، متضمن درانداختن طرحی است که دربرگیرنده عناصری نظیر «تهدید وجودی»، «نقطه بی‌بازگشت» و راه احتمال برون‌رفت از آن است (همان: ۶۳). به عبارت دیگر، استدلال بازیگر امنیتی‌ساز برای تجلی تهدید، علاوه بر آنکه باید ترسیم‌کننده نقطه و موقعیتی باشد که در اذهان مخاطبان به‌مثابه نابودی حتمی تلقی گردد، باید ارائه‌دهنده راه چاره و خلاصی از این تهدید نیز باشد (دهقانی و دیگران ۱۳۹۱).

ویور در زمینه جنبه بیرونی کنش گفتاری به دو موضوع اشاره می‌کند: اول سرمایه اجتماعی بازیگری است که موضوع را امنیتی می‌کند. به عبارت دیگر، این مسئله اهمیت دارد که بازیگر امنیتی‌ساز در میان مخاطبان هدف تا چه حد اعتبار دارد. از نظر ویور، بازیگر امنیتی‌کننده باید در موضع اقتدار باشد تا به واسطه آن پذیرش مخاطب تسهیل شود. در واقع، سخن بازیگری که از

سرمایه اجتماعی برخوردار نیست در مخاطب تأثیر چندانی نخواهد داشت. دومین موضوع مورد نظر ویور، که جنبه بیرونی کنش گفتاری را شکل می‌دهد، مربوط به شرایطی است که به لحاظ تاریخی با یک تهدید همراه است. بر این مبنای، بازیگر امنیتی کننده هنگامی می‌تواند مدعی وجود تهدید امنیتی باشد که اشیای خاصی وجود داشته باشند و از طریق آن‌ها بتوان تهدید را مجسم ساخت، مانند تانک، بمب، احساسات دشمنی، یا آب‌های آلوده (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۶۳). وقتی مخاطب اقناع شد، اجماع رخ می‌دهد و شرایط برای اقدام ضروری علیه پدیده امنیتی شده فراهم می‌شود. اجماع در لغت به معنای آماده‌شدن و قصد انجام کار، اتفاق نظر، و جمع کردن آرای پراکنده است (ساریخانی و دیگران ۱۳۹۲: ۲۸).

تیری بالزاک مخاطب را رکنی مهم در امنیتی کردن یک پدیده می‌داند. اهمیت مخاطب از نظر بالزاک تا حدی است که آن را «مخاطب توان‌مندکننده» (empowering audience) می‌نامد. از نظر بالزاک، مخاطب توان‌مندکننده باید اولاً رابطه علی مستقیمی با موضوع و مسئله داشته باشد و ثانیاً قادر به توان‌مندی سازی بازیگر امنیتی کننده به منظور اتخاذ تدابیری برای رفع تهدید باشد (Balzacq 2011: 8-9). برخی محققان پساکنپناهی با انتقاد از نگاه ساده‌انگارانه مکتب کنپناهی به مخاطب معتقدند، مخاطبان نه تنها یک گروه همگن نیستند، بلکه دارای طیف‌های متفاوت هستند و در برابر استدلالات مختلف شنوا هستند و در نتیجه هر گروه از مخاطبان می‌تواند دارای قدرت متفاوتی باشند (زارع‌زاده ابرقویی ۱۳۹۶: ۱۱۴). سالتر مخاطبان را در پدیده امنیتی کردن به چهار دسته مخاطب عمومی (popular audience)، مخاطب نخبه، مخاطب تکنوکرات، و مخاطب علمی تقسیم‌بندی می‌کند که هر یک حرکت امنیتی‌ساز متفاوتی را از سوی بازیگر امنیتی‌ساز الزامی می‌سازد. به این ترتیب، روایت‌ها برای اقناع مخاطب باید بر اساس نوع مخاطبان در شکل، محتوا، و کنش گفتاری متفاوت باشد، اما قانون مرکزی حاکم بر هر روایت باید در سه اصل ۱. غلبه با کیست و چه کسی می‌تواند صحبت کند؛ ۲. بافت اجتماعی و پرسش به این پاسخ که درباره چه چیزی می‌تواند صحبت کند؛ ۳. درجه موفقیت و اینکه چه چیزی شنیده شد، بستگی دارد (Slater 2008: 329).

باتوجه به الگوی زیر، امنیتی‌سازی روندی است که یک بازیگر پدیده یا بازیگری را از امر سیاسی خارج و آن را به عنوان یک تهدید وجودی برای مخاطبان ترسیم می‌کند. اگر مخاطبان، این تصویر را بپذیرند، امنیت عرصه اصلی بحث میان بازیگر امنیتی‌ساز و مخاطبان است. هر چه سخنگو از سرمایه و اعتبار بیشتری در میان مخاطبان خود برخوردار باشد، فرایند اقناع مخاطب با سرعت و قدرت بیشتری رخ خواهد داد (Weaver 1995: 57).



شکل ۱. انواع مخاطبان در فرایند امنیتی کردن

مخاطب عمومی آن دسته از مخاطبان هستند که تحت تأثیر کنش گفتاری سه گروه مخاطبان دیگر و همچنین نوع روایت رسانه‌ها، دربارهٔ یک باور یا نگرش اقناع می‌شوند. به همین دلیل برای موفقیت در اقناع مخاطب عمومی لازم است مخاطبان نخبه، علمی، و تکنوکرات قبل از مخاطب عمومی به اقناع رسیده باشند.

بر این اساس، ممکن است یک کنش گفتاری در میان مخاطبان تکنوکرات و نخبه امنیتی شود، اما مخاطب علمی آن را نپذیرد. بر این اساس، آن دسته از مخالفان که به دنبال استدلال‌های منطقی و علمی هستند، دربارهٔ تهدیدبودن یک پدیده اقناع نخواهند شد. مخاطب نخبه به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی گفته می‌شود. مخاطب علمی بیش‌تر کارشناسان، تحلیل‌گران، دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها، و نهادهای تخصصی هستند. مخاطب تکنوکرات نیز مخاطبی است که هدف نهایی‌اش توسعه است و با هر چیزی که مانعی در مسیر توسعه باشد مخالفت می‌کند (Slater 2008: 340).

تأثیر امنیتی کردن بر مخاطب را می‌توان نوعی قدرت نرم دانست. از نظر جوزف نای، استفادهٔ یک بازیگر از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی بازیگر مقابل و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها، و رفتارهای سیاسی آنان است (نای ۲۰۰۶: ۵۸). بازیگر امنیتی‌ساز استدلال‌هایی را در تأیید مطرح‌بودن تهدیدی وجودی، امکان واردشدن آن به مرحلهٔ بی‌بازگشت، و لزوم اتخاذ تدابیر فوق‌العاده به مخاطبان ارائه می‌کند و آن‌ها از روی رضایت یا اجبار با این استدلال‌ها همراه می‌شوند (زارع‌زاده ابرقویی ۱۳۹۶: ۱۰۵).

برخی از طرفداران نظریهٔ امنیتی‌ساختن معتقدند در فرایند امنیتی کردن نباید تنها به نقش زبان و کنش گفتاری برای توان‌مندسازی مخاطب تکیه کرد، بلکه باید بر ضرورت توجه به نقش

تصاویر و نمایش‌های بصری (فراورده‌های سینمایی، تلویزیونی، و مستندسازی) به‌مثابه اشکال و ابزارهای بالقوه امنیتی‌سازی تأکید کرد. به این ترتیب، در کنار رهبران سیاسی باید رسانه‌ها و هنرمندان را نیز به‌عنوان بازیگر امنیتی‌ساز با هدف پذیرش تهدید نزد مخاطب در نظر گرفت (McDonald 2008: 569). استفاده از این ابزار می‌تواند در اقناع مخاطب عمومی مؤثر باشد.

در مکتب کپنهاگ توجه چندانی به رابطه میان مخاطب و بازیگر امنیتی‌ساز نشده است، اما در نگاه پساکپنهاگی بالزاک میان این دو رابطه متقابلی وجود دارد (همان: ۱۱۴). به اعتقاد بالزاک، برای آنکه مسئله به مسئله امنیتی تبدیل شود، مخاطب توان‌مندساز باید با ادعاهای بیان‌شده از سوی بازیگر امنیتی‌ساز موافقت کند. مخاطب توان‌مندساز مخاطبی است که اولاً ارتباط علی مستقیم با مسئله دارد و ثانیاً دارای این توانایی است که بازیگر امنیتی‌ساز را برای اتخاذ تدابیر جهت مقابله با تهدید توان‌مند سازد (Balzacq et. al. 2011: 8-9). برای توان‌مندسازی مخاطب، توجه به بافتار سیاسی و اجتماعی و ساختار هویتی و به‌طور کلی عوامل زمینه‌ای (ontextc) اهمیت بسیار زیادی دارد. بر همین اساس، بازیگر امنیتی‌ساز به بافتارهای تاریخی، سیاسی، و اجتماعی، که در آن گفتمان خاصی از امنیت امکان‌پذیر می‌شود، توجه می‌کند و به دنبال روایت‌های تاریخی، فرهنگی، و هویتی است که بتواند در پی‌ریزی یا مشروع‌سازی امنیتی‌بودن یک پدیده و پذیرش آن نقش داشته باشد و مخاطبان را به پویایی معینی برای مقابله با آن تهدید وادارد.

## ۶. یافته‌ها در مخاطبان ایالات متحده در امنیتی کردن ایران

در فرایند امنیتی کردن ایران، ایالات متحده به توانمندسازی مخاطبان برای پذیرش استدلال‌هایی که تهدیدبودن ایران را القا می‌کند، ابزارها و شیوه‌های متفاوتی را برای جذب مخاطبان خود در پیش گرفته است. در دسته‌بندی مخاطبان از دید نظریه‌پردازان امنیت هویت یک بازیگر، مخاطبان همگن نیستند و دارای طیف و انواع مختلفی هستند. در یک دسته‌بندی کلی مخاطبان به چهار دسته مخاطب عمومی، مخاطب علمی، مخاطب نخبه، و مخاطب تکنوکرات تقسیم می‌شوند. یافته‌های تحلیل مضمون اسناد کنگره حاکی از این است که در تحلیل کنش گفتاری به‌کار برده‌شده در اسناد کنگره دست‌کم ۲۵ مضمون پایه، چهار مضمون سازمان‌دهنده، و یک مضمون فراگیر وجود دارد که هر چهار طیف از مخاطبان را هدف قرار می‌دهد. نتایج یافته‌ها براساس نوع مخاطب در جدول ۱ آمده است:

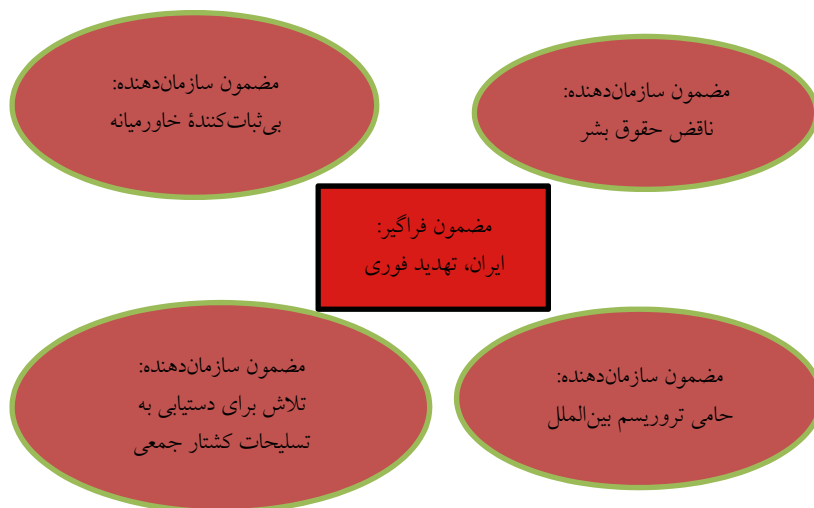
جدول ۱. مضامین پایه برای مخاطب عمومی

مخاطب	مضمون پایه	عبارات
طرفداران اسرائیل، نهادهای حقوق بشری	نقض حقوق اقلیت‌های یهودی	یهودیان به اتهام ارتباط با اسرائیل محاکمه و اعدام می‌شوند.
طرفداران شاه، نهادهای حقوق بشری	نقض حقوق طرفداران حکومت سابق	طرفداران شاه، بدون طی فرایند قانونی محکوم و اعدام می‌شوند.
افکار عمومی آمریکا	تهدید ایرانی‌های طرفدار انقلاب برای منافع ملی آمریکا	دانشجویان ایرانی در آمریکا اخراج و بورسیه تحصیلی آنان لغو می‌شود.
شورای امنیت سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی	ایران ناقض صلح و امنیت بین‌المللی	تصرف سفارت آمریکا در ایران باید در شورای امنیت به عنوان اقدام به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شود.
افکار عمومی جهان به‌ویژه خریداران نفت ایران	ایران ناقض حقوق بین‌الملل	درخواست از جامعه جهانی برای توقف صادرات نفت از ایران تا آزادی گروگان‌ها و بازگرداندن کنترل سفارت به واشنگتن
افکار عمومی جهان اسلام	ایران ناقض حقوق بشر	درخواست از همه پیروان اسلام در جهان برای اینکه از برادرانشان در ایران آزادی فوری گروگان‌ها را بخواهند.
افکار عمومی جهان، صلیب سرخ، نهادهای حقوق بشری	در تهدید بودن جان گروگان‌های آمریکایی	کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از شهروندان آمریکا، که در سفارت این کشور در ایران گرفتار شده‌اند، دیدار کند.
افکار عمومی آمریکا	جان آمریکایی‌ها در ایران تهدید می‌شود.	ممنوعیت مسافرت به ایران براساس قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی براساس قانون لوگان
افکار عمومی جهان، نهادهای حقوق بشری	نقض گسترده حقوق بهائیان در ایران	ایران بهایی‌ها را به شدت مورد اذیت و آزار قرار داده و آن‌ها را زندان می‌کند/ دولت‌های خارجی این اقدام را محکوم کنند.
افکار عمومی جهان، نهادهای امنیتی	ایران در صدد استفاده از سلاح شیمیایی	ایران هم ممکن است مانند عراق از سلاح شیمیایی استفاده کند.
چین، نهادهای امنیتی	موشک‌های کرم ابریشم، به توان موشکی ایران کمک می‌کند.	چین اگر به فروش موشک‌های کرم ابریشم به ایران ادامه دهد، تحریم می‌شود.
نهادهای امنیتی آمریکا و جهان	ایران در تلاش برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی	لازم است درباره ظرفیت تسلیحات شیمیایی، بیولوژیک، و رادیولوژیک ایران گزارشی تهیه شود.
مردم ایران، نهادهای حقوق بشری	شکنجه زندانیان در ایران	لازم است یک هیئت بین‌المللی از زندان‌های ایران بازدید کند.
افکار عمومی آمریکا، افکار عمومی جهان	پیوند سقوط ایرباس با کشته شدن سربازان آمریکایی در لبنان	تا زمانی که ایران غرامت سربازان کشته شده آمریکایی در لبنان را پرداخت نکند، آمریکا غرامتی برای سقوط ایرباس نمی‌پردازد.
کردها در ایران	نقض اقلیت قومیت‌ها در ایران	بخش کردی صدا آمریکا برای کردهای ایران راه‌اندازی شود.
نهادهای امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی	ارتقای ایران در بخش موشکی	ایران در بخش موشک‌های بالستیک ارتقا پیدا کرده است.

مخاطبان در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران (تهمینه بختیاری و دیگران) ۱۵

مخاطب	مضمون پایه	عبارات
بانک جهانی و دیگر نهادهای مالی	وام به ایران تهدید را افزایش می‌دهد.	بانک جهانی و نهادهای مالی نباید هیچ وامی علیه ایران تأیید کند.
افکار عمومی جهانی، دولت‌ها	ایران و کوبا تهدید هستند.	آمریکا به هر دولتی که با ایران و کوبا تعامل دارند، کمک نمی‌کند.
افکار عمومی جهان	ایران و تسلیحات کشتار جمعی	هر کشور یا شرکت همکار با ایران تحریم می‌شود.
روسیه	ایران، حامی تروریسم بین‌المللی	روسیه نباید به ایران، حامی تروریسم بین‌المللی، کمک کند.
افکار عمومی جهان، سازمان ملل، و آژانس انرژی اتمی	ایران در مسیر تسلیحات کشتار جمعی و حامی تروریسم بین‌المللی	ایران از توانایی‌های هسته‌ای برخوردار است و از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند.

چهار مضمون سازمان‌دهنده عبارت‌اند از: ۱. ایران، ناقض حقوق بشر؛ حقوق بشر یکی از مسائل محوری است که رسانه‌ها برای امنیتی‌کردن ایران از آن بهره می‌گیرند. تفاوت در هنجارهای شکل‌دهنده حقوق بشر میان غرب و جمهوری اسلامی موجب شده است که حقوق بشر از ماهیت حقوقی خود خارج شود و به عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر ایران استفاده شود (برزگر ۱۳۹۷: ۱۶۸)؛ ۲. ایران بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه؛ ۳. ایران، حامی تروریسم بین‌المللی؛ ۴. ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی. مضمون فراگیر در شبکه مضامین، امنیتی‌کردن ایران با القای تهدید فوری بودن ایران و لزوم مقابله و برخورد اضطراری با این کشور بوده است.



شکل ۲. مضمون فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده علیه ایران

براساس شبکه مضامین می‌توان مخاطبان اصلی آمریکا در چهار مضمون سازمان‌دهنده در فرایند امنیتی کردن ایران را شناسایی کرد. نتایج مراکز افکارسنجی معتبر جهان و گزارش نهادهای بین‌المللی بهترین راه مشخص کردن میزان پذیرش تهدید بود. ایران در چهار نوع مخاطبان عمومی، نخبه، تکنوکرات، و تخصصی است. مرکز نظرسنجی پیو در گزارشی که ژانویه ۲۰۲۰ منتشر کرد، نشان داد که کم‌تر از ۱۰ درصد افکار عمومی جهان ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل می‌دانند. براساس این نظرسنجی، فقط اسرائیلی‌ها با ۵۸ درصد ایران را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌دانستند (Fagan and Mordecai 2020). در زمینه برنامه هسته‌ای ایران پذیرش مخاطبان در سطوح مختلف رخ داد، به طوری که در نهایت به اجماع‌سازی و اقدام علیه ایران با صدور شش قطعنامه علیه ایران منجر شد که عبارت‌اند از:

۱. قطعنامه ۱۶۹۶ در نهم مرداد ۱۳۸۵ با تأکید بر گزارش شورای حکام آژانس با اجماع تقریبی ۱۴ رأی موافق؛
۲. قطعنامه ۱۷۳۷ در دوم دی ۱۳۸۵ با تکیه بر گزارش شورای امنیت با اجماع کامل ۱۵ رأی موافق؛
۳. قطعنامه ۱۷۴۷ چهارم فروردین ۱۳۸۶، با تکیه بر دو قطعنامه قبلی و با اجماع کامل ۱۵ رأی موافق؛
۴. قطعنامه ۱۸۰۳ سیزدهم اسفند ۱۳۸۶ با تکیه بر گزارش نهادهای تخصصی با اجماع تقریبی ۱۴ رأی موافق؛
۵. قطعنامه ۱۸۳۵ در ششم مهر ۱۳۸۷، تأکید بر گزارش‌های پیشین با اجماع کامل ۱۵ رأی موافق؛
۶. قطعنامه ۱۹۲۹ در نوزدهم خرداد ۱۳۸۹، گزارش شورای حکام و کمیته نظارت با اجماع تقریبی ۱۲ رأی موافق.

**الف) پذیرش مخاطبان عمومی:** مخاطبان عمومی درباره تهدید بودن جمهوری اسلامی ایران چهار دسته اصلی هستند که عبارت‌اند از: افکار عمومی آمریکا، افکار عمومی جهان، افکار عمومی منطقه خاورمیانه، و افکار عمومی ایران.

#### ۱. افکار عمومی آمریکا

الف) سلاح‌های کشتار جمعی: پذیرش زیاد؛

ب) بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه: بی‌اعتنا؛



(ج) ناقض حقوق بشر: پذیرش متوسط؛  
(د) حمایت از تروریسم بین‌الملل: پذیرش کم.

۲. افکار عمومی جهان

(الف) سلاح‌های کشتار جمعی: پذیرش متوسط؛  
(ب) بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه: بی‌اعتنا؛  
(ج) ناقض حقوق بشر: پذیرش کم؛  
(د) حمایت از تروریسم بین‌الملل: پذیرش کم.

۳. افکار عمومی منطقه خاورمیانه

(الف) سلاح‌های کشتار جمعی: پذیرش متوسط؛  
(ب) بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه: کم به جز اسرائیل؛  
(ج) ناقض حقوق بشر: پذیرش کم؛  
(د) حمایت از تروریسم بین‌الملل: پذیرش کم.

۴. افکار عمومی ایران

(الف) سلاح‌های کشتار جمعی: پذیرش کم؛  
(ب) بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه: پذیرش کم؛  
(ج) ناقض حقوق بشر: پذیرش متوسط؛  
(د) حمایت از تروریسم بین‌الملل: پذیرش کم.

(ب) **پذیرش مخاطبان نخبه:** مخاطبان نخبه تهدیدبودن ایران عبارت‌اند از: تصمیم‌سازان کشورهای اروپایی، چین، روسیه، و کشورهای همسایه ایران و مقامات اسرائیل. در میان این مخاطبان اسرائیل خود همراه و محرک اصلی ایالات متحده است و بر همین اساس، اظهارات مقامات اسرائیلی به شدت ضد ایرانی است. متحدان آمریکا در منطقه در هر چهار مضمون سازمان‌دهنده پذیرش خیلی زیاد دارند. در مقابل روسیه، چین، و کشورهای مخالف سیاست‌های آمریکا در منطقه در هر چهار مضمون پذیرش اندکی داشته‌اند.

(ج) **پذیرش مخاطبان تکنوکرات:** نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل، تاجران، سرمایه‌گذاران، خریداران نفت ایران، و دست‌اندرکاران رسانه‌ای، که به نوعی عملگرا و

توسعه‌محور هستند، از مخاطبان تکنوکرات ایالات متحده در فرایند امنیتی کردن ایران محسوب می‌شوند. با توجه به اعمال تحریم‌های ثانویه به نظر می‌رسد این دسته از مخاطبان درباره تأثیرات تحریم آمریکا بر فعالیت‌های خود نگران بوده و به همین دلیل همکاری‌های خود با ایران را کاهش داده و منجر به تأثیرگذاری تحریم‌ها شدند. هرچند رسانه‌های بیگانه ابزار اساسی ایالات متحده برای اقناع مخاطب است. البته با وجود تنوع رسانه‌های مورد استفاده علیه ایران توسط ایالات متحده در فرایند امنیتی کردن ایران، صدای آمریکا در دو حوزه رسانه‌ای سنتی و نوین نقش محوری را در برسازای ایران به عنوان یک تهدید امنیتی ایفا کرد، چراکه این رادیو ابزاری برای اجرای سیاست‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده و اثرگذاری بر افکار عمومی جهان است (باقری هشی و دیگران ۱۳۹۲: ۴۵).

**د) پذیرش مخاطبان علمی:** نهادهای حقوق بشری، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام، نهادهای امنیتی، نهادهای مالی نظیر سوئیفت، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، شرکت‌های بیمه‌گذار بین‌المللی، و اندیشکده‌های جهانی و حتی دانشگاه‌های بین‌المللی از جمله مخاطبان علمی فرایند امنیتی کردن ایران در چهار مضمون سازمان‌دهنده هستند. با توجه به فشار این نهادهای علمی و تخصصی بر ایران به نظر می‌رسد ادله‌های ایالات متحده در برجسته کردن تهدید برنامه هسته‌ای ایران در ادله تسلیحات کشتار جمعی به میزان زیادی در مخاطبان اعم از عمومی، نخبه، علمی، و تکنوکرات با پذیرش مواجه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳، بر روایت‌سازی‌های متفاوتی جهت تصویرسازی منفی و غیرواقعی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی متمرکز بوده است (تخشید ۱۳۹۳: ۹۵). نتیجه این برسازای امنیتی تصویب شش قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل و اثرگذار بودن تحریم‌های گسترده علیه ایران بوده است.

پس از آنکه بازیگری امنیتی شد، برای آنکه از این وضعیت خارج شود، لازم است همانند مرجع امنیتی ساز به پذیرش مخاطبان درباره تهدید نبودن خود دست بزنند، چراکه وجود فضای مبتنی بر امنیت مقدم بر برنامه و کنش توسعه‌محور کشورها در جهت اهداف و اولویت‌های سند چشم‌انداز قرار دارد (افتخاری و دیگران ۱۳۹۰: ۵۳). در امنیتی‌زدایی، مفهوم محیطی امن و باثبات نشان‌دهنده حضور فعال مؤلفه غیرامنیتی‌سازی است. به عبارت دیگر، رشد و پیشرفت ایران در منطقه و جهان در درجه اول در گرو فراهم آوردن بستری امن به لحاظ سیاسی و به دور از تنش خواهد بود که راه تعامل سازنده را بگشاید.

جمهوری اسلامی ایران، که در این فرایند توسط ایالات متحده امنیتی شده است، لازم است با ادله مستحکم به امنیتی‌زدایی روی آورد.

## ۷. نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع ایران را در دستور کار امنیتی‌سازی قرار داد و با طی فرایند امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی از طریق اقناع و اجماع تلاش کرد، تهدید ایران را به مخاطبان امنیتی‌کردن ایران بقبولاند تا در نهایت یک اقدام اضطراری علیه این تهدید میسر شود. براساس گزاره‌های مکتب کپنهاگ، فرایند امنیتی‌سازی تا زمانی که میان مرجع امنیتی‌ساز و مخاطب درباره تهدیدبودن یک مسئله مفاهمی ایجاد نشود، امنیتی‌کردن به نتیجه نرسیده است. در این فرایند دو عامل اهمیت بسیاری دارد: ۱. شرایط درونی و زبانی - دستوری که بستگی به میزان توان‌مندی بازیگر امنیتی‌ساز در استفاده از دستورهای زبان‌شناختی امنیتی دارد و ۲. شرایط بیرونی و زمینه‌ای - اجتماعی یا بافت که منوط به سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌ساز و قابلیت استنادپذیری تهدیدات است. بر این اساس، زمانی که امنیتی‌سازی یک پدیده موفق باشد، آن پدیده از جریان امور عادی سیاسی جدا و وارد حوزه اضطراری می‌شود که بایستی با آن برخوردی اضطراری و فوق‌العاده داشت.

در سه موضوع حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی، نقض حقوق بشر و تهدیدآمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران می‌توان گفت درباره موضوع اول و دوم امنیتی‌شدن ناموفق و در موضوع آخر امنیتی‌کردن ناموفق بوده است. در برنامه هسته‌ای ایران بررسی‌ها نشان می‌دهد که کنش گفتاری ایالات متحده، مخاطب را در باور به تهدیدآمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران توانمند کرده است. این فرایند تا قبل از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ موفق نبوده، اما بعد از آن با القای مداوم مخاطرات تروریستی در افکار عمومی جهان و مرتبط‌دانستن برنامه هسته‌ای ایران با تسلیحات کشتار جمعی تهدید ایران برسازی شده است.

در فرایند امنیتی‌کردن باید توجه شود، زمانی این فرایند موفق خواهد بود که هر چهار گروه مخاطب درباره تهدیدبودن یک پدیده اقناع شده باشند. با توجه به طیف گسترده مخاطبان به‌ویژه در زمینه امنیتی‌شدن، تقریباً کم‌تر موضوعی است که به اجماع در پذیرش توسط همه طیف‌های مخاطبان رخ دهد و به همین دلیل، آمریکا در زمینه‌های حقوق بشر و القای حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی ناموفق بوده است. جمهوری اسلامی ایران برای ممانعت از اثرگذاری کنش گفتاری مرجع امنیتی‌ساز یا امنیتی‌زدایی‌کردن لازم است با کنش گفتاری مقابل آن، استدلال‌ات و ادله‌های امنیتی‌ساز را برای مخاطبان بی‌اعتبار کند. همچنین، اتخاذ استراتژی امنیتی مشارکت‌جویانه توسط جمهوری اسلامی، تهدیدبودن ایران را برای بخشی از مخاطبان بی‌معنی می‌سازد. تکیه بر هویت منطقه‌ای و ایجاد ابزارها برای امنیت همیارانه می‌تواند با تلاش‌ها برای امنیتی‌کردن و میزان پذیرش مخاطبان درباره تهدیدبودن ایران مقابله کند.

## کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- امیدی فر، علی و سعیده مرادی فر (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۴.
- باقری هشی، مهدی، مرتضی جاویدکار، و محسن آقامحمدی (۱۳۹۲)، «نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در پیشبرد اهداف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی صدای آمریکا)»، مجله رسانه و فرهنگ، س ۳، ش ۱.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۷)، «امنیت هویت پایه و عدالت پایه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، الی ویور، و پاپ دووید (۱۳۸۶)، چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تخشید، محمدرضا و سیدمحمد علوی (۱۳۹۳)، «شبکه‌های ذهن و قدرت رسانه‌ها در بازنمایی غیرواقعی برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۷.
- حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲)، «مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه‌ها»، خبرنامه مطالعات جهان، س ۲، ش ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سیدمحمدعلی علوی (۱۳۹۵)، «روند امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۵، ش ۱۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سیدیوسف قرشی (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۵، ش ۴.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، «نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۱۰، ش ۳۶.
- ساریخانی، عادل، اسماعیل آقابابایی، و سعید عطارزاده (۱۳۹۲)، «اجماع و نقش آن در استنباط احکام کیفری»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۹، ش ۳۲.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، «رسانه و قدرت گفتمانی با تأکید بر انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۳.
- شکرخواه، یونس (۱۳۷۴)، خبر، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ای.
- شیرخانی، محمدعلی و جواد حقگو (۱۳۹۴)، «واکاوی فضا‌سازی رسانه‌ای آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران (بررسی موردی عملکرد صدای آمریکا)»، راهبرد، ش ۷۵، س ۲۴.

## مخاطبان در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران (تهمینه بختیاری و دیگران) ۲۱

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، ج ۱، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظری امنیتی ساختن»، *مجله مطالعات راهبردی*، ش ۳۳. معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی*، تهران: سرایش.

هرسیج، حسین و احمد فتاحی (۱۳۸۹)، «امنیت به‌مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌برانگیز»، *مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۲۱.

Acharya, Amitav (2002), *Security and Security Studies after September 11: Some Preliminary Reflections*, Available at:

<<http://www.amitavacharya.com/sites/default/files/Security%20and%20Security%20Studies%20After%20September%202011.pdf>>.

Brownback, Sam (2003), "Iran Democracy Act", S. 1082, 108th Congress (2003-2004).

Brownback, Sam (2003), "S. Amdt. 2014 to H. R. 2800", 108th Congress (2003-2004).

Brownback, Sam (2006), "Iran Human Rights Act of 2006", S. 3870, 109th Congress (2005-2006).

Buzan, Barry and Hansen Lene (2009), *The Evolution of International Security Studies*.

D'Amato, Alfonse (1995), "Radio Free Iran Act", S. 838, 104th Congress (1995-1996).

Dold, Robert J. (2011), "Iran Human Rights and Democracy Promotion Act of 2011", H.R.1714, 112th Congress (2011-2012).

Dolinec, Vladimir (2005), "The Role of Mass Media in the Securitization Process of International Terrorism", *Politicke Vedy/ Studies*. Available at:

<<http://www.politickevedy.fpmv.umb.sk/app/cmsFile.php?disposition=a&ID=18586>>.

Fagan, Moira and Mara Mordecai (2020), "Before Soleimani Death, Concerns about Iran Had fallen in many countries- including U. S". Available at: <<https://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/01/23/before-soleimanis-death-concerns-about-iran-had-fallen-in-many-countries-including-the-u-s/>>.

Ghincea Marius (2017), "The Audience(s) in Securitization Theory".

Granger, Kay (2009), "Call for a Renewed focus on the 'Green Movement' within Iran", H. Res. 888, 111th Congress (2009-2010).

Kerry. John F. (2010), "Foreign Relations Authorization Act, Fiscal Years 2010 and 2011", S.2971, 111th Congress (2009-2010).

Kirk, Mark Steven (2011), "Iran Human Rights and Democracy Promotion Act of 2011", S.879, 112th Congress (2011-2012).

Kirk, Mark Steven (2014), "Iran Human Rights Accountability Act of 2014", S.2585, 113th Congress (2013-2014).

- Kogut, B. and A. Metiu (2001), "Open Sourced Software Development and Distributed Innovation", *Oxford Rev Econom Policy*.
- Mc Koen and Howard P. Buck (2012), "National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013", H.R.4310, 112th Congress (2011-2012).
- Pell, Claiborne (1990), "Supplemental Foreign Relations Authorization Act, Fiscal Year 1991", S.2749, 101st Congress (1989-1990).
- Rohrabacher, Dana (2013), "The Broadcasting Board of Governors should broadcast and direct Azeri language content into the Islamic Republic of Iran", H.Res.183, 113th Congress (2013-2014).
- Ros-Lehtinen, Ileana (2005), "Iran Freedom Support Act", H.R.282, 109th Congress (2005-2006).
- Ros-Lehtinen, Ileana (2011), "Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012", H.R.1905, 112th Congress (2011-2012).
- Santorum, Rick (2004), "Iran Freedom and Support Act of 2004", S. 2681, 108th Congress (2003-2004).
- Santorum, Rick (2006), "S. Amdt. 3640", 109th Congress (2005-2006).
- Sherman, Brad (2003), "Iran Freedom and Democracy Support Act", H. R. 2466, 108th Congress (2003-2004).
- Slater, Mark B. (2008), "Securitization and desecuritization: a dramaturgical analysis of the Canadian Air Transport Security Authority", *journal of international relations and development*, 11.
- Weaver, Olr (1995), "Securitization and Desecuritization", in: *Lipschutz, D. Ronnie (ed.), On Security*, New York: Columbia University Press.
- Wolf, R. Frank (1998), "Omnibus Consolidated and Emergency Supplemental Appropriations Act, 1999", H. R. 4328, 105th Congress (1997-1998), Available at:  
<<https://www.congress.gov/bill/105th-congress/house-bill/4328?q=%7B%22search%22%3A%22iran%22%7D&s=6&r=57>>.